

کلمه «مجموعه» در تعبیر ما قابل توجه است با این توضیح که ممکن است برخی از آنچه در ذیل ذکر می‌شود به تنهایی نتواند مدعا را ثابت کند لکن با قرار گرفتن در کنار بقیه و تقویت هر یک به دیگری (تعاضد حلقوی) در اثبات مطلب به کار می‌آید.

به هر حال مجموعه‌ای که اشاره کردیم به قرار ذیل است:

بدون تردید و به اقتضای ادراک عقل و بی‌شماری از نصوص دینی از قرآن و روایات،^۱ شارع مقدس در بعث رسل، انزال کتب و تشریح مقررات اهداف و مقاصدی دارد که باید در خارج پیاده شود. و از آنجا که دین اسلام جامع، جهانی و جاودان است این اهداف محدود به حد خاصی از شؤون آدمیان یا مکان خاص یا زمان خاص نیست.^۲ پیاده شدن این اهداف هم حاکم و دولتی که متناسب با گستره آن باشد، می‌طلبد؛ چون این اهداف با افراد مؤمنین در فضای فاقد دولت - به معنای سیاسی امروزی آن - قابل اجرا نیست؛ به همین دلیل ضرورت وجود دولت و امام را نصوص دینی، عقل و عقلا پذیرفته‌اند.

در نهج البلاغه است: لما سمع قولهم: «لا حکم الا لله» قال علیه السلام: کلمة حق یراد بها الباطل! نعم انه لا حکم الا لله و لکن هؤلاء یقولون لا اِمره الا لله وانه لا ید للناس من امیر بر او فاجر یعمل فی اِمرته المؤمن و یستمع فیها الکافر...^۵

از امام رضا علیه السلام در بیان جعل وجوب اطاعت از اولوالامر وارد شده:

۱. برای نمونه ر.ک: سورة بقره آیات ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۱۳؛ آل عمران، آیه ۱۶۴؛ اعراف، آیه ۱۵۷؛ انفال آیه ۲۴؛ حدید آیات ۹ و ۲۵؛ جمعه، آیه ۲.

۲. برای نمونه ر.ک: نهج البلاغه (فیض الاسلام) خطبة اول، ص ۳۳ و ۴۲؛ خطبة ۱۸۹، ص ۶۴۰؛ میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۴۲۹ و ۱۴۳۰، احادیث ۹۲۶۴ تا ۹۲۶۸.

۳. ر.ک: فقه و مصلحت، ص ۲۷ و ۲۹.

۴. در موقفة ابی حمزه ثمالی چنین می‌خوانیم: عن ابی جعفر علیه السلام قال: خطب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی حجة الوداع فقال: «یا ایها الناس والله ما من شیء یقربکم من الجنة و یباعدکم من النار الا و قد امرتکم به و ما من شیء یقربکم من النار و یباعدکم من الجنة الا و قد نهیتکم عنه ... (کافی، ۷۴/۲) و در صحیحة محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام آمده است: قال امیر المؤمنین علیه السلام: «الحمد لله الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی ینت لامة جمیع ما تحتاج الیه» (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۶۶ (= ۳۱۹)). تعبیر «امة» هادی به فرازمانی و فرامکانی بودن و تعبیر «جمیع ما تحتاج الیه» حکایت از پوشش دهی دین نسبت به همه شؤون مرتبط با اهداف دین از شؤون انسانی می‌کند. در این باره نصوص متعدد دیگری نیز وجود دارد از جمله دیده شود: کافی، ج ۱، ص ۵۹، احادیث ۱ الی ۴ و ص ۶۰، حدیث ۶.

۵. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبة ۴۰، ص ۱۲۵.

«و منها انا لانجد فرقة من الفرق ولا ملة من الملل بقوا و عاشوا الا بقیم و رئیس، ولما لا بد لهم منه فی امر الدین والدنیا، فلم یجز فی حکمة الحکیم ان یتربک الخلق مما یعلم انه لا بد له منه، ولا قوام الا به فیقابلون به عدوهم و یقسمون فیئهم و یتقیم لهم جمعهم و جماعتهم، و یمنع ظالمهم من مظلومهم، و منها لو لم یجعل لهم اماما قیما حافظا مستودعاً لدرست الملة و ذهب الدین و غیبت السنن و الاحکام...»^۱

این روایت را جناب شیخ صدوق با دو سند در عیون و علل ذکر کرده است، بدین قرار:

عن عبدالواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری عن ابی الحسن علی بن محمد بن قتیبة النیسابوری عن الفضل بن شاذان و از ابی محمد جعفر بن نعیم بن شاذان عن عمه ابی عبدالله محمد بن شاذان عن الفضل بن شاذان.

کلامی در جلالت قدر فضل بن شاذان نیست و از اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام است. لکن امکان درک امام رضا علیه السلام را هم دارد. در مورد عبدالواحد و ابن قتیبة و ابن نعیم اختلاف است و محمد بن شاذان از وکلای ناحیه مقدسه است. در مجموع و با توجه به مفاد روایت، روایت قابل استناد فقهی است. اهل سنت نیز در این باره ترائی دارند که قابل ملاحظه است.^۲ و در قرآن برای نهی از منکر و امر به معروف تشکیل نهاد «امت» پیشنهاد داده شده است.^۳

حضور نهاد «حسبه» و نهادهای مدنی، قضایی، و جزایی مجری حدود، قصاص، تعزیرات و ... هادی به ضرورت تشکیل دولتی شریعت محور است.

ابن ابی الحدید نیز این سخن را از متکلمان دارد:

«قال المتکلمون الامامة واجبة الا ما یحکی عن ابی بکر الاصم من قدماء اصحابنا و قال البغدادیون... ان العقل یدل علی وجوب الرئاسة و هو قول الامامية».^۴

در آنچه گذشت ظرفیت اثبات وجوب شرعی و لزوم عقلی تشکیل حکومت براساس شریعت در عصر غیبت وجود دارد.

۱. عیون اخبار الرضا، ص ۱۰۸. همچنین رک: تحف العقول (از امام صادق علیه السلام)، ص ۳۲۱.

۲. نظر به دلالت مباشر و مستقیم این روایت سند این روایت را مورد بررسی قرار دادیم.

۳. نظیر «لا بد للناس من امارة برة او فاجرة... والامارة خیر من الهرج» (کنز العمال، ج ۶، ص ۲۹؛ «ولایحل لثلاثة نفرأ یكونون بارض فلاة الا امرؤا علیهم احدهم» مسند احمد، ج ۲۰، ص ۱۷۷، همچنین رک: سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۴.

۴. «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون ولا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا...» (آل عمران، ۱۰۴ و ۱۰۵). و امت اخص از جماعت است امت را به «الجماعة المؤلفة من افراد لهم رابطة تضمهم ووحدة یكونون بها کالاعضاء فی بنية الشخص». تفسیر کرده‌اند (تفسیر المنار، ج ۴، ص ۳۳).

۵. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۰۸.